

زندہ خدا

www.ketab.ir

مصطفیٰ فلاح پور

سرشناسه :	فلاح پور ، مصطفی ، ۱۳۳۲
عنوان و نام پدیدآور :	رنگ خدا / مصطفی فلاح پور
مشخصات نشر :	تفت : مصطفی فلاح پور ، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری :	۳۱۲ ص.
شابک :	۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۷۹۰۱-۸
وضعیت فهرست نویسی :	فیبا
یادداشت :	کتابنامه
موضوع :	نثر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره :	۸۱۶۹ PIR / J ۲۴۲ ر ۱۳۹۰۹
رده بندی دیویی :	۸ فا ۸۶۲
شماره کتابشناسی ملی :	۲۵۷۲۰۲۰

رنگ خدا

مصطفی فلاح پور

مجوز: ناشر مؤلف

شماره شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۷۹۰۱-۸

چاپ اول - بهار ۱۳۹۱

طراحی جلد: کانون تبلیغات شقایق

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

انتشارات هومان

حروفچینی، صفحه آرایی: حسین فلاح پور

لیتوگرافی ، چاپ و صحافی: زیتون

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه
۱۷.....	شُکر
۳۷.....	قسم نامه (۹۰ سوگند)
۴۱.....	سوگند یک؛ خوبان شب زنده دار
۴۲.....	سوگند دو؛ ظلمت ستیزان ظلمت کار
۴۲.....	سوگند سه؛ خوبان در بند و ننجیر عشق
۴۳.....	سوگند چهار؛ شاهی که شد کشته تیر عشق
۴۵.....	سوگند پنج؛ فرق عدالت که از کفن شکست
۴۵.....	سوگند شش؛ محراب عشقی که در خون نیست
۵۵.....	سوگند هفت؛ ماه درخشان بالای نی
۵۶.....	سوگند هشت؛ صالح پیامبر
۵۹.....	سوگند نه؛ ناقه حضرت صالح
۶۲.....	سوگند ده؛ صبر رسولان دُر دانه ات
۶۳.....	سوگند یازده؛ خون شهیدان فرزانه ات
۶۳.....	سوگند دوازده؛ سوره مبارکه والفجر
۶۴.....	سوگند سیزده؛ سوره مبارکه والناس
۶۴.....	سوگند چهارده؛ سوره مبارکه والاعادیات
۶۴.....	سوگند پانزده؛ سوره مبارکه واللیل
۶۵.....	سوگند شانزده؛ سوره مبارکه والشمس
۶۵.....	سوگند هفده؛ سوره مبارکه والذاریات
۶۶.....	سوگند هجده؛ دلهای آرام

۶۶.....	سوگند نوزده؛ قلب و دود.....
۶۶.....	سوگند بیست؛ آیه قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى.....
۶۷.....	سوگند بیست و یک؛ سوره مبارکه هود.....
۶۸.....	سوگند بیست و دو؛ سوره مبارکه یس.....
۶۹.....	سوگند بیست و سه؛ سوره مبارکه نعل.....
۷۰.....	سوگند بیست و چهار؛ سوره مبارکه زمر.....
۷۰.....	سوگند بیست و پنج؛ سوره مبارکه هَلْ أَتَى.....
۷۱.....	سوگند بیست و شش؛ اسحاق پیامبر.....
۷۳.....	سوگند بیست و هفت؛ حضرت نوح نبی.....
۸۵.....	سوگند بیست و هشت؛ مصطفی (ص).....
۹۱.....	سوگند بیست و نه؛ ادریس پیامبر.....
۹۲.....	سوگند سی؛ لقمان حکیم.....
۱۰۰.....	سوگند سی و یک؛ حضرت موسی.....
۱۱۴.....	سوگند سی و دو؛ سوره مبارکه طه.....
۱۱۵.....	سوگند سی و سه؛ صحرای سینا.....
۱۱۵.....	سوگند سی و چهار؛ سلیمان نبی.....
۱۲۶.....	سوگند سی و پنج؛ مور.....
۱۲۹.....	سوگند سی و شش؛ خورشید رخشان.....
۱۳۱.....	سوگند سی و هفت؛ ماه منیر.....
۱۳۳.....	سوگند سی و هشت؛ سیاره ناهید (زهره).....
۱۳۴.....	سوگند سی و نه؛ سیاره کیوان.....
۱۳۴.....	سوگند چهل؛ سیاره تیر.....
۱۳۴.....	سوگند چهل و یک؛ جنگ خندق.....
۱۳۹.....	سوگند چهل و دو؛ جنگ بدر.....
۱۵۷.....	سوگند چهل و سه؛ جنگ تبوک.....
۱۶۸.....	سوگند چهل و چهار؛ جنگ حنین.....

- سوگند چهل و پنج؛ فریاد سرخ و رسای حسین..... ۱۷۱
- سوگند چهل و شش؛ داغ شقایق..... ۱۷۲
- سوگند چهل و هفت؛ سرهای بی تن به خاک دمشق..... ۱۷۲
- سوگند چهل و هشت؛ ایمان مردان اهل یقین..... ۱۹۱
- سوگند چهل و نه؛ آیه کُنَّا نَخْوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ..... ۱۹۱
- سوگند پنجاه؛ احساس مادر..... ۱۹۲
- سوگند پنجاه و یک؛ مهر پدر..... ۱۹۳
- سوگند پنجاه و دو؛ رمز شکفتن..... ۱۹۳
- سوگند پنجاه و سه؛ راز سحر..... ۱۹۴
- سوگند پنجاه و چهار؛ شوق تبسم..... ۱۹۷
- سوگند پنجاه و پنج؛ نار نسیم..... ۱۹۸
- سوگند پنجاه و شش؛ شرم گل سوخ و باران سیم..... ۱۹۸
- سوگند پنجاه و هفت؛ عطر نفس های باس سپید..... ۱۹۹
- سوگند پنجاه و هشت؛ گل خورشید های زرافشان پید..... ۱۹۹
- سوگند پنجاه و نه؛ خون دل چاک آلاله ها..... ۲۰۰
- سوگند شصت؛ گیسوی آشفته لاله ها..... ۲۰۰
- سوگند شصت و یک؛ سوره مبارکه والتین..... ۲۰۰
- سوگند شصت و دو؛ سوره مبارکه والنجم..... ۲۰۱
- سوگند شصت و سه؛ سوره مبارکه والمرسلات..... ۲۰۲
- سوگند شصت و چهار؛ سوره مبارکه قدر..... ۲۰۳
- سوگند شصت و پنج؛ سوره مبارکه فلق..... ۲۰۳
- سوگند شصت و شش؛ سوره مبارکه کوثر..... ۲۰۴
- سوگند شصت و هفت؛ سوره مبارکه نازعات..... ۲۰۵
- سوگند شصت و هشت؛ گلبانگ تکبیر..... ۲۰۶
- سوگند شصت و نه؛ شور نماز..... ۲۰۷
- سوگند هفتاد؛ صبح نیایش..... ۲۲۰

۲۲۱.....	سوگند هفتاد و یک؛ شام نیاز.....
۲۲۱.....	سوگند هفتاد و دو؛ جام بلورین خورشید ها.....
۲۲۲.....	سوگند هفتاد و سه؛ عید قربان.....
۲۲۲.....	سوگند هفتاد و چهار؛ عید فطر.....
۲۲۳.....	سوگند هفتاد و پنج؛ همه عید ها.....
۲۲۳.....	سوگند هفتاد و شش؛ صوم (روزه).....
۲۲۵.....	سوگند هفتاد و هفت؛ صلاه (نماز).....
۲۲۷.....	سوگند هفتاد و هشت؛ آیه شریفه اَمِّنْ يُجِيب.....
۲۲۸.....	سوگند هفتاد و نه؛ آیه شریفه نَصْرُ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيب.....
۲۲۸.....	سوگند هشتاد؛ میلاد گل عشق گل شور گل.....
۲۴۳.....	سوگند هشتاد و یک؛ امام هادی (ع).....
۲۴۳.....	سوگند هشتاد و دو؛ امام مهدی (عج).....
۲۴۵.....	سوگند هشتاد و سه؛ منشور گل (قرآن کریم).....
۲۴۹.....	سوگند هشتاد و چهار؛ عیسی بن مریم.....
۲۵۹.....	سوگند هشتاد و پنج؛ دخت بتول (زینب «س»).....
۲۷۷.....	سوگند هشتاد و شش؛ حضرت زهرا (س).....
۲۹۹.....	سوگند هشتاد و هفت؛ حیدر (امیرمؤمنان).....
۳۰۱.....	سوگند هشتاد و هشت؛ آل رسول.....
۳۰۴.....	سوگند هشتاد و نه؛ ذکر شب.....
۳۰۸.....	سوگند نود؛ گریه های حضرت علی (ع).....
۳۱۱.....	منابع.....

مقدمه

سپاس و درود بی پایان خدای را که قلم آفرید و نوشتن را به انسان آموخت و توفیقی عنایت فرمود که توانستم از دریای کرمش قطره ای برگیرم و از خزانه فضلش دانه ای برشمارم و صفحه ای چند در شکر نعمتش بنگارم.

از مدت ها پیش در اندیشه کتابت این موضوع بودم که سرانجام این مهم از قوه به فعل درآمد و آنچه پیش روی شماست حاصل همین تفکر و تلاشی است که در سایه عنایت حضرت حق پدید آمد.

انسان باید در همه حال، شاکر نعمت های خداوندگار باشد، نعمت هایی که قابل شمارش نبوده و حد و حصری برایش متصور نیست. نعمت داشتن هرچیز و برخورداری از هر آنچه در اختیار داریم و نعمت آنچه را که باعث رشد و تکامل و سعادت بشر است.

یکی از این نعمت ها برای شیعیان علی بن ابی طالب (ع)، نعمت ولایت و محبت او و خاندان پاک اوست که در احادیث معتبر به کرار از گفته ها و سخنان ائمه اطهار و امامان بزرگوار، قداست و اهمیت آن بیان شده است.

لذا این بنده کمترین، از خداوند جَلَّ وَ عَلَی، طی مثنوی ای در بیست و چهار بیت، خواسته ام تا پیوسته از فیض انوار ولایت شاه مردان علی (ع) بهره مند بوده و در جهانی دیگر از شفاعتش محروم نمانم.

باشد تا این خواسته و دعا که؛ خدایا ما را زنده بدار به ولای علی، بمیران به حُب علی و برانگیز به دیدار علی، به هدف اجابت برسد.

این علی(ع) کیست؟ دوستانی او را آنسان بزرگ شمرده و راه مبالغه پیموده که خدایش دانسته اند و دشمنانش از راه کینه چنان با او در ستیزند که کافرش پنداشته اند. گروهی برای او شخصیتی اساطیری و ذهنی ساختند و به عنوان دوست، داستان ها و شعرها برایش پرداختند و به آسمانش بردند و از رهبری مردم زمین برکنارش داشتند. برخی از صوفیان و گروهی عارف نما به نام او " هو حق علی " گفتند و از خدایش بالاتر دانستند.

بعضی از گویندگان کم تجربه و کم سواد بر منابر بجای بیان حدیث پیامبر و نهج البلاغه و تفسیر قرآن و تاریخ قصه ها گفتند و علی(ع) را تنها، دادرش شب اول قبر و سر پل صراط معرفی کردند و سرگونه کتابی را با وجود داشتن ولایتش ناچیز شمردند، شفاعت را وارونه معرفی کردند و مردمی عامی را به گناهکاری گستاخ نمودند و او را از مقام والایش تنزل دادند و با داستان سرایی های دروغ و بیهوده، شیعه را گروهی خرافی و اوهام پرست جلوه داده و بهانه به دست دشمنان دادند که بگویند شیعه مشرک است و مهدور الدم.

برای شناخت علی(ع) باید به سخن پیامبر توجه داشت که فرمود: یا علی کسی تو را جز خدا و من نتواند بشناسد.

و برای شناخت این عنصر عظیم و بیکرانه و جاوید باید جایگاه او را از زبان خدا و پیامبر و خودش بشناسیم و از این دیدگاه والا، به شناخت وجود ارزنده اش برسیم.

خداوند در قرآن حکیمش به تکرار از پایگاه والایش سخن به میان آورده و او را به صفاتش شناسانده نه به نامش و آیات قرآنی در این باره بدان اندازه روشن است که جز به علی(ع) به کس دیگری نمی توان اطلاق کرد. در آیه ۵۵ سوره مائده می فرماید: « إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ ». (ولی

امر و یاور شما تنها خدا و رسول و آن مؤمنانی هستند که نماز بپا داشتند و به فقیران در حال رکوع زکات می دهند) و (به اتفاق مفسرین عامه و خاصه، مراد از این آیه علی(ع) است).

از همه مهمتر این که شرط اتمام نبوت و ابلاغ رسالت پیامبر(ص)، اعلام امامت علی(ع) است و چون در پهنه پرهیجان غدیر علی(ع) به مردم معرفی شد، دین اسلام هم به کمال رسید و خداوند فرمود: «... أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» (امروز دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آئین، اسلام است)!

رسول خدا درباره ایمان، عمل، علم و قضاوت علی(ع) سخن بسیار گفته است:

یک ضربت شمشیر علی در جنگ خندق از عبادت ثقلین ارزنده تر است.

علی، جان پیامبر و گوشت و خون و استخوان اوست.

علی خلیفه و جانشین او و حامل لوای علم اوست و نسبتش به او، به منزله نسبت هارون به موسی است.

علی(ع) را باید از زبان، عمل، سیره، اخلاق و عبادت خودش و از کتاب بزرگ و جاوید نهج البلاغه اش بشناسیم.

علی(ع) اگرچه پیامبر نیست ولی از رسالت های آسمانی الهی دارد و از وعده های الهی آگاهست و رموز و کلمات هدایت را به خوبی می شناسد و می فرماید:

« سوگند به خداوند که من از تبلیغ رسالت ها و همگی وعده های آسمانی و کلمات تامه الهام پروردگار آگاهم و درهای حکمت و فروغ امر هدایت در نزد ما خاندان پیامبر است»^۲

۱- قسمتی از آیه ۳ سوره مائده.

۲- خطبه ۱۲۰ نهج البلاغه.

و نیز می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقَدُونِي، فَلَأُنَا بِطَرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطَرُقِ الْأَرْضِ». (ای مردم از من بپرسید پیش از آنکه مرا نیابید که من راه های آسمان را بهتر از راه های زمین می دانم).

علی (ع) حق را دیده و به مقام یقین رسیده چنانکه می فرماید: «از آن روز که حق را دیدم در آن تردید نکردم» و چنان حقایق روشن ماورائی برای او نمودار است که می فرماید: «اگر پرده ها را از برابر دیدگانم بردارند، بر یقینم افزوده نمی شود». شگفت است که علی (ع) از پشت پرده های طبیعت آگاهی دارد و به جهان غیب دیده می گشاید و در پس پرده غیب به مقام شهود رسیده است.

علی (ع) در همه ابعاد و جوش به آخرین درجه کمال دست یافته است. درباره اندیشه و علم او چنان است که می گوید: «آنچه می خواهید از من بپرسید» و برای پهنه بیکران علمش مرزی نمی شناسد و در مقام روحی آنقدر بالا رفته که راه های ماورائی و غیب را بهتر از راه های محسوس و مشهود طبیعی می شناسد و در بعد جسمانی و توان بدنی آنقدر نیرومند است که می فرماید: «اگر دشمن، همه ی بلندی ها و پستی های زمین را فراگیرد هرگز پشت به دشمن نمی کنم و به هراس نمی افتم». در عبادت، در اخلاق، در روش حکومت داری و در برخورد با ستم دیدگان و محرومان و در رویارویی با ستم پیشگان و زورگویان و... و در همه ابعاد علی (ع) یگانه است و نمونه.

این یگانه ی تاریخ و شگفتی آفرینش، پرورده مکتب رسول خداست که از فیض حضور او و انفاس قدسیه و شمیم وحی و الهامات خداوندی بهره جسته و پا جای پای پیامبر گذاشته و با خلق و خوی محمدی خو گرفته است که به شهادت دوست و دشمن، او سزاوارترین کس، برای خلافت و جانشینی رسول خدا بود.

در این مجموعه ضمن اشاره به چگونگی شکر نعمت و یادآوری اجمالی از چند قطره از دریای بیکران نعم الهی، خداوند سبحان را به انبیاء و اولیاء و بزرگان و صالحان و شهدا و کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن و آیات نورانی آن و بسیاری از موارد دیگر (۹۰ مورد به

تفصیل) سوگند داده ام که با معرفت کامل و بینش درست از منش و مقام این اولین امام راستین و اولین مظلوم عالم و اولین شهید محراب و اولین مرد ایمان آورنده به مکتب رسول خدا، سعادت یابم تا خوشه چین خرمن لطفش شوم و ریزه خوار خوان ولایتش باشم که:

هر آنکسی که در این حلقه نیست زنده به عشق
بر او نمسرده، به فتوای من نماز کنید^۱
می خواستم از مردی بنویسم که :

مظلومیتش کرانه نداشت ، ولی اقیانوس آرام دلش با دیدن اشک یتیمی متلاطم
می شد، یا اینکه خداوندگار حکمت، بیان و شمشیر بود، مسند خلافتش را در سقیفه
ربودند و قددک، میراث مسلم هبشش فاطمه (س) را به مصادره گرفتند و او زبانش در
کام و تیغش در نیام، که ژرفای صبرش را انتهای نبود .

از نامردمی های زمانه رنج می برد و با چاه به نجوا می نشست .

کلامش چون در و وجودش از حلق ذات حق تعالی پر بود و من تهی از معرفتش با
بضاعت اندک آنگونه که شایسته و سزاوار او بود نتوانستم حق مطلب را ادا کنم .

فرصت را غنیمت شمرده، این اثر کوچک را به روان پاک پدر و مادر عزیزم و نیز به
همسر مهربانم و همه محبان و رهروان راستین مولای متقیان علی علیه السلام تقدیم
می دارم.

امید، آنکه عزیزان اندیشمند و فرهیخته، کاستی های این مجموعه را به غمض عین
بنگرند و اگر نواقص و ایراداتی هست که هست، بنویسند تا بر اصلاح آن در چاپ بعد
برآیم.

مصطفی فلاح پور

آبان ۱۳۹۰